

بررسی روابط ایران و عراق در دوره دولت موقت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۳/۱۷

حجت‌الله کریمی^۱

چکیده

برای تبیین علل وقوع جنگ بین عراق و ایران، مطالعه و پژوهش مقطع زمانی پیروزی انقلاب اسلامی تا هجوم سراسری عراق به ایران ضروری است. در این میان، عملکرد دولت موقت در قبال عراق به عنوان اولین مواجهه ایران و عراق پس از پیروزی انقلاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چراکه، اظهارنظرهای متناقضی در این خصوص وجود دارد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که "روابط ایران و عراق در دوره حاکمیت دولت موقت چه روندی را طی کرد و عملکرد دولت موقت در رابطه با عراق چگونه بود؟"

این پژوهش در پاسخ به پرسش فوق این فرضیه را مطرح می‌کند که عملکرد دولت موقت در قبال عراق دو مرحله را شامل می‌شود: در مرحله نخست، دولت موقت در مواجهه با سیاست دوگانه تبریک و تحریک عراق، انفعال و انعطاف در پیش می‌گیرد و در مرحله دوم با شروع ادعاها و تشدید اقدامات خشونت‌آمیز عراق، دولت موقت با اتخاذ موضعی صریح، واکنش‌هایی جدی در برابر اقدامات عراق نشان داد.

کلیدواژه‌ها: جنگ ایران و عراق، سیاست خارجی، دیپلماسی، دولت موقت،

مهدی بازرگان، صدام حسین

ماه‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه دوران حاکمیت دولت موقت، بکارگیری دیپلماسی برای جلوگیری از جنگ اهمیت بسزایی دارد. اهمیت این مدت نه چندان طولانی که از بهمن ۱۳۵۷ آغاز و در آبان ماه ۱۳۵۸ به پایان می‌رسد، تا حدی است که گروهی از صاحب‌نظران با استناد به برخی اقدامات عراق و بعضی از اقدامات و رویه‌های دستگاه دیپلماسی دولت موقت معتقدند عدم استعفای دولت موقت می‌توانست جنگ را اجتناب‌پذیر نماید (پارسادوست، ۱۳۸۶: ۲۳۳-۲۴۰). این گروه با تأکید بر داده‌هایی چون پیام‌های تبریک مخابره شده از سوی دولتمردان عراق خطاب به رهبران و مسئولین جمهوری اسلامی و نیز برخی اظهارنظرهای مثبت عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی دولت عراق و همچنین دیدار صدام حسین معاون رئیس‌جمهور عراق با ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران در هاوانا این اقدامات را به مثابه فرصتی دیپلماتیک در نظر می‌گیرند که به شرط تداوم فعالیت، دولت موقت می‌توانست از وقوع جنگ پیشگیری کند (ماهنامه ایران فردا، شماره ۵۸، ۱۳۷۸/۶/۳۱: ۱۸). در مقابل، برخی شخصیت‌ها و محافل سیاسی - انقلابی ایران و حتی عراقی، دولت موقت را به برخورد ضعیف و انفعال در مقابل دولت عراق متهم نموده و بر این باورند که رویه دیپلماتیک این دولت از قبل شکست خورده بود. این گروه نیز با برجسته‌سازی برخی از اقدامات دولت موقت اظهار می‌دارند دستگاه دیپلماسی دولت موقت نه تنها گام مثبتی در راستای پیشگیری از جنگ برنداشت بلکه موجب شد ضریب دفاعی ایران آسیب‌پذیر شود و فرصت لازم را در اختیار دولتمردان عراق برای تصمیم‌گیری جهت حمله به ایران فراهم کرد (روزنامه کیهان، ۲ و ۳/۷/۱۳۵۸؛ روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۲/۷/۱۳۵۸). به نظر می‌رسد هر یک از دو گروه مذکور تنها قسمتی از واقعیت را بیان می‌کنند.

دولت موقت با توجه به جایگاه خود در ساختار سیاسی نظام جدید ایران با شرایط ویژه‌ای روبرو بود. ضمن این‌که دولت عراق با تجربه بیشتر و کادر سیاسی مجرب‌تر، در مواجهه با انقلاب ایران و دولت برآمده از آن، سیاستی دوگانه در پیش گرفته بود. روابط ایران و عراق در زمان حاکمیت دولت موقت به دو مرحله قابل تقسیم‌بندی است. در مرحله نخست، دولت موقت ایران در مقابل سیاست دوگانه عراق که در پژوهش حاضر از آن به سیاست تبریک و تحریک تعبیر شده، سیاست خود را بر مبنای حسن‌همجواری و احترام متقابل قرار داد. در این مرحله، دست‌اندرکاران سیاست خارجی دولت موقت، حتی در مقابل تندترین اقدامات و مواضع ضد ایرانی دولت عراق از موضع‌گیری صریح



و واکنش تند اجتناب ورزیده مسائل را به دیده اغماض نگریستند. اما وجه مشخصه مرحله دوم، جابجایی در راس هرم قدرت سیاسی عراق و جایگزینی صدام حسین به جای حسن البکر است، که با توجه به تشدید اقدامات تحریک‌آمیز عراق در قبال ایران، مسئولان سیاست خارجی دولت موقت نیز، موضعی قاطع و واکنش‌هایی جدی نشان می‌دهند. بنابراین تکیه بر یک برهه از روابط طرفین و نیز برجسته‌سازی برخی اقدامات بدون لحاظ کردن ابعاد گوناگون موضوع، باعث می‌شود درک درستی از عملکرد دولت موقت در مقطع مورد نظر به دست نیاید.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که روابط ایران و عراق در دوره حاکمیت دولت موقت در ایران چه روندی را طی کرد و عملکرد دولت موقت در رابطه با عراق چگونه بود؟

در کنار این پرسش، برخی پرسش‌های فرعی نیز قابل طرح هستند که این پرسش‌ها عبارتند از: مواجهه عراق با انقلاب اسلامی و دولت برآمده از انقلاب چگونه و بر چه سیاستی استوار بود؟

آیا در دوران حکومت دولت موقت، فرصت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات ایران و عراق مهیا شد؟

آنچه از سوی عده‌ای به عنوان فرصت برای پیشگیری از وقوع جنگ در دوران حاکمیت دولت موقت تلقی می‌شود تا چه حد قابل اتکا و دارای قابلیت و مکانیسمی برای عمل و اجرا بود؟

آیا آنگونه که گروهی معتقدند، دولت موقت در تمام مدت زمامداری خود در قبال عراق، سیاستی منفعلانه در پیش گرفت؟

فرضیه پژوهش عبارت است از اینکه، عملکرد دولت موقت در قبال عراق به دو مرحله قابل تقسیم است. در مرحله نخست، دولت موقت در مواجهه با سیاست دوگانه تبریک و تحریک عراق، انفعال و انعطاف در پیش گرفت و در مرحله دوم با شروع ادعاها و تشدید اقدامات خشونت‌آمیز عراق، دولت موقت موضع صریح و واکنشی جدی در برابر اقدامات عراق نشان داد.

برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، ابتدا به اختصار وضعیت و جایگاه دولت موقت در ساختار سیاسی نظام جدید ایران را بررسی می‌کنیم و سپس روابط ایران و عراق قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار خواهیم داد و در ادامه نیز در دو بخش، عملکرد دولت موقت در قبال عراق تشریح خواهد شد.



تمهیدات نظری

از گذشته تا به امروز دو رویکرد عمده در تصمیم‌گیری دولت‌ها برای استفاده از دیپلماسی و جنگ برای نیل به اهداف خود وجود داشته است. بر اساس رویکرد نخست جنگ‌ها معمولاً زمانی رخ می‌دهند که تمام راه‌های حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های سیاسی، مسدود شده باشد. این نگرش برای توجیه اجتناب‌ناپذیری کاربرد ابزار نظامی در سیاست خارجی و استفاده از آن به عنوان سریع‌ترین و قاطع‌ترین راه برای حصول اهداف و خواسته‌های یک واحد سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد. کارل فون کلاوزویتس نظریه‌پرداز مشهور از منادیان این رویکرد و بنیان‌گذار مکتبی است که معتقد است «جنگ‌ها زمانی آغاز می‌شوند که دیپلماسی به بن‌بست رسیده باشد» (کاظمی، ۱۳۶۸: ۶۸).

در رویکرد دوم که نسخه بازنگری شده رویکرد نخست و متأثر از جنگ جهانی دوم است مفاهیم دیپلماسی و جنگ، تبیین شده و مرزهای میان آنها مشخص گردیده است. در این رویکرد، نقش دیپلماسی به عنوان فن و مهارتی برای مدیریت بحران‌ها و کاهش تنش‌ها میان واحدهای سیاسی افزایش یافت (آشوری، ۱۳۷۰: ۱۷۰). بر اساس این نگرش، دیپلماسی مرحله‌ای بین سیاست و جنگ است. اگر دیپلماسی درست عمل کند از جنگ جلوگیری می‌کند و دیپلمات‌های دو کشور باید پیش از جنگ، صرف‌نظر از برخی ادعاها، راهی برای تفاهم بیابند (ذوالعین، ۱۳۷۷: ۷۵).

اما در کنار تعریف مفهوم دیپلماسی نباید از عوامل اثرگذار، کاربردها و ابزارهای دیپلماسی غفلت نمود. میزان اهمیت دیپلماسی در سیاست خارجی در گرو متغیرهایی نظیر خط‌مشی سیاست خارجی، ماهیت نظام بین‌الملل و توانایی مجریان دیپلماسی واحد سیاسی است (آلادپوش، ۱۳۷۳: ۱۲). دیپلماسی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی، دارای کاربردهای اثرگذاری مانند مدیریت بحران‌ها، حل مشکلات میان کشورها، تسهیل ارتباطات، مذاکرات ویژه و مدیریت روابط عادی است (کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۲۲). دیپلماسی برای جلب حداکثری توافق و نفوذ خود در عرصه روابط بین‌الملل از ابزارهای متفاوتی نظیر اقناع، پیشنهاد و تهدید به مجازات بهره می‌گیرد (آلادپوش: ۱۳).

جایگاه و وزن سیاسی دولت موقت

با ظهور علائم سقوط رژیم پهلوی، ایجاد نهادهایی که انتقال قدرت از نظام مستقر به نظام جدید را تسهیل نموده و پس از آن ضمن اداره امور جاری کشور ساختارهای نوین را جایگزین ساختارهای کهنه کند، ضرورت یافت. در همین راستا، امام خمینی^(ره) اقدام



۷۴

سال دوم
شماره ۶
تابستان ۱۳۹۲

به معرفی شورای انقلاب کرد؛ سپس به پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس مهدی بازرگان را به تشکیل دولت موقت مامور کرد. بر اساس حکم مذکور، دولت موقت موظف شده بود ضمن اداره امور مملکت، رفراندم تغییر نظام سیاسی را انجام داده مجلس مؤسسان را برای تدوین قانون اساسی جدید تشکیل دهد و انتخابات مجلس نمایندگان را برگزار کند (صحیفه امام^(۵)، ج ۶، ۵۴).

هر چند امام خمینی^(۶) به عنوان رهبر انقلاب ایران در مقاطع مختلف از دولت موقت پشتیبانی جدی به عمل آورده و از مردم نیز می خواست حامی این دولت باشند، حتی این دولت را «واجب الاتباع» می دانست (صحیفه امام^(۷)، ج ۶: ۵۹)، با وجود این، با توجه به وضعیت جامعه ایران که حاصل وقوع انقلاب بود، دولت موقت از اقتدار و توان کافی در همه حوزه های داخلی و خارجی برخوردار نبود.

با فروپاشی حکومت پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی، ایجاد تغییرات بنیادین در ساختارها ضروری بود. در همین راستا در وزارت امور خارجه نیز تغییرات و تحولات فراوانی انجام شد. در این وزارتخانه به دلیل حضور رده های امنیتی ساواک در زمان شاه، بیشترین حجم تصفیه و پاک سازی نیروها در این وزارتخانه انجام شد. به اعتقاد منوچهر پارسادوست پاک سازی در وزارت امور خارجه بیشتر از ارتش بود، به طوری که ساختار آن زیر و رو و دگرگون شد (پارسادوست، ۱۳۸۶: ۴۴۰).

علاوه بر تغییر و تحول در وزارت امور خارجه، نهادها و ارگان های انقلابی که عموماً توسط مردم در شهرها و روستاهای سراسر کشور تشکیل شده بود قدرت و نفوذ دولت را به چالش می کشیدند. بدیهی است با توجه به پیوستگی سیاست داخلی و خارجی، به چالش کشیده شدن اقتدار دولت موقت در زمینه سیاست داخلی، در قدرت و توان این دولت در حوزه سیاست خارجی تأثیرات منفی برجای می گذاشت.

اگرچه مهندس بازرگان، کریم سنجابی را به عنوان نخستین وزیر امور خارجه بعد از پیروزی انقلاب معرفی کرد؛ اما تنگناها و محدودیت ها، که بسیاری از آنها طبیعی یک جامعه و دولت برآمده از انقلاب است، در تعیین و اجرای سیاست خارجی نقش آفرینی می کردند. چنین وضعیتی باعث شد کریم سنجابی در مدتی کمتر از دو ماه استعفا نمود. وی دلیل استعفای خود را وجود دو نوع دولت در برابر دولت موقت اعلام کرد (نخعی و یکتا، ۱۳۸۰: ۶۸۹-۶۸۸). ابراهیم یزدی، جایگزین کریم سنجابی نیز با وضعیتی نظیر آنچه در زمانی سنجابی در وزارت امور خارجه وجود داشت مواجه بود.

دیدگاه مهدی بازرگان و دولتی که وی تشکیل داد با توجه به شخصیت، وابستگی های



حزبی، پایگاه اجتماعی و جهان‌بینی اعضای کابینه، در حوزه سیاست خارجی با نگرش رهبر انقلاب ایران، بسیاری از انقلابیون ذی‌نفوذ و حتی شورای انقلاب انطباق چندانی نداشت. در باور اکثریت تصمیم‌گیران دستگاه دیپلماسی دولت موقت، انقلاب ایران انقلابی کاملاً ملی و ایرانی تلقی می‌شد، انقلابی که آرمان‌ها و اهداف خود را در محدوده سرزمینی و جغرافیایی ایران دنبال می‌کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۱). دولت موقت چه در سیاست خارجی و چه در اداره امور داخلی، همواره مورد انتقاد گروه‌ها و شخصیت‌هایی بود که این دولت را منفعل، کند و غیرانقلابی می‌دانستند. در این رابطه، اختلافات شورای انقلاب با دولت موقت قابل اشاره است. با اینکه تعدادی از اعضای شورای انقلاب از همفکران اعضای کابینه دولت موقت بودند، اما همواره میان دولت و شورا اختلافات اساسی بروز می‌کرد به گونه‌ای که بارها برای حل اختلافات، امام^(ره) ناگزیر از داوری بین طرفین شدند (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۸۷). این اختلافات در حالی بروز می‌کرد که دولت موقت موظف به اجرای همان استراتژی بود که اعضای شورای انقلاب برای سیاست خارجی طراحی کرده بودند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۳۶۰). بدیهی است چنین وضعیتی، جایگاه دولت را تضعیف کرده و عملکرد آن را تحت تأثیر قرار می‌داد.

پیشینه روابط ایران و عراق (از استقلال عراق تا پیروزی انقلاب اسلامی)

شروع روابط ایران و عراق به سال ۱۹۲۰ میلادی بازمی‌گردد. تا پیش از این تاریخ، عراق قسمتی از امپراطوری عثمانی به شمار می‌رفت. با توجه به مسائلی نظیر روابط تنش‌آلود ایران و عثمانی، موقعیت ژئوپولیتیک عراق، منافع قدرت‌های بین‌المللی در منطقه خلیج فارس، ساختار سیاسی، فرهنگی، مذهبی و قومی دو کشور و ...، بروز اختلاف بین دولت تازه تاسیس عراق و دولت ایران دور از انتظار نبود. از این رو با تشکیل دولت عراق، اختلافات کهنه ایران و عثمانی، میان ایران و عراق سربرآورد و در کنار مشکلات و اختلافات جدید، زمینه‌های کشمکش و نزاع میان دو کشور فراهم شد. عمده‌ترین موارد اختلاف میان عراق و ایران عبارت بودند از: ۱. مسئله ایرانیان مقیم عراق ۲. کردها و کردستان ۳. خوزستان ۴. اروندرود (شط‌العرب) و ۴. اختلافات ارضی و مرزی. ایران و عراق برای حل و فصل اختلافات فی‌مابین گام‌هایی برداشته و اقداماتی صورت دادند که حاصل آن امضای چند پیمان‌نامه و تفاهم‌نامه بود. با وجود این، اختلافات همچنان ادامه داشت و در برهه‌هایی از زمان به درگیری‌های مرزی نیز کشیده

شد. به گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ برخورد‌های خونینی بین نیروهای نظامی طرفین به وقوع پیوست؛ تعدد درگیری‌ها به حدی بود که تنها در اردیبهشت ماه ۱۳۵۱، ۱۲ برخورد مسلحانه در مرزهای مشترک دو کشور گزارش شد (مختاری، ۱۳۸۴: ۴۶). در ۲۱ بهمن ۱۳۵۲ نیز یک درگیری سنگین نظامی رخ داد که با حمله واحدهای تانک، نیروهای پیاده و زرهی و پیشتیپانی آتش شدید توپخانه همراه بود (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۰۱). این درگیری‌ها پای شورای امنیت سازمان ملل را به موضوع حل اختلافات طرفین گشود و موجب صدور قطعنامه ۳۴۸ این شورا شد. به دنبال صدور قطعنامه مذکور، طرفین برای حل و فصل اختلافات گفت‌وگوهایی انجام دادند که نهایتاً به امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر منجر شد.

این قرارداد ۳ فصل اصلی را شامل می‌شد که برای هر یک از فصول یک مقاله‌نامه جداگانه تنظیم شده بود. براساس این مقاله‌نامه‌ها می‌بایست مرزهای خاکی مجدداً علامت‌گذاری شوند، مرز رودخانه‌ای براساس خط تالوگ تعیین شود و با ایجاد امنیت در مرزها طرفین از دخالت در امور داخلی یکدیگر اجتناب کنند (شهیدزاده، ۱۳۷۸: ۳۳۱).

هر چند صدام حسین به عنوان طرف عراقی امضاکننده عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر همواره این قرارداد را موجب حقارت خود و عراق تلقی می‌کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۰: ۵۳۰)، و نیز آنگونه که آنتونی کردزمن معتقد است قرارداد الجزایر هیچ‌گاه حل و فصل قطعی اختلافات ایران و عراق را در پی نداشت (کردزمن و واگنر، ۱۳۸۹: ۳۹)، اما این قرارداد مهم‌ترین و موثرترین توافقنامه‌ای بود که پس از قریب به ۵۵ سال کشمکش، بین ایران و عراق منعقد شد. از این رو، پس از انعقاد این قرارداد، در روابط دو کشور نشانه‌هایی از بهبود نمودار شد و متعاقب آن دیدارها و سفرهای سیاسی بین مقامات طرفین برای تحکیم بیشتر روابط براساس حسن همجواری آغاز شد. در ششم فروردین ماه ۱۳۵۴، تنها ۲۰ روز پس از امضای قرارداد، امیرعباس هویدا، نخست وزیر ایران، به عراق سفر کرد. در پایان سفر، اعلامیه مشترکی انتشار یافت که در آن «طرفین پایبندی خود را به توافق ششم مارس ۱۹۷۵ الجزیره برای حل و فصل مسائل موجود فی ما بین دو کشور تأیید کردند» (جعفری ولدانی: ۴۹۲). مدتی بعد، صدام حسین، نایب رئیس شورای فرماندهی عراق، در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۴ به ایران آمد و با شاه ایران ملاقات کرد (پارسا دوست: ۲۱۶). پس از صدام چند مقام عالی رتبه دیگر عراقی به ایران سفر کردند؛ سعدون حمادی، وزیر امور خارجه، در دی ماه ۱۳۵۵ و عزت ابراهیم الدوری، نایب رئیس شورای رهبری و وزیر کشور عراق در تیرماه ۱۳۵۶. در این دیدارها «دو کشور



موافقت نمودند برای توسعه روابط، پنج کمیته در امور کشاورزی، ماهیگیری، بازرگانی، ترانزیت، ارتباطات، آموزش، تورسیم، انرژی و امور کنسولی را تشکیل دهند» (همانجا). در آذرماه ۱۳۵۶ نیز طه محی‌الدین معروف، نایب رئیس جمهور عراق، از ایران دیداری رسمی به عمل آورد. وی در این دیدار راجع به روابط دو کشور گفت: «توسعه روابط بین دو کشور، که بر اساس منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر است، برای کشورهای همسایه نمونه شده است.» (جعفری ولدانی: ۴۹۳)

با وجود این دیدارها، مذاکرات و امضای تفاهم‌نامه‌های متعدد بین ایران و عراق در دوره زمانی پس از امضای قرارداد الجزایر تا اوایل سال ۱۳۵۷، رقابت تسلیحاتی بین دو کشور در جریان بود. در همین راستا، شاه ایران در مصاحبه‌ای با خبرنگار نیوزویک در ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۵۶ به تلاش‌های عراق برای افزایش توان نظامی خویش اشاره نموده و گفت: «... ما اختلاف‌هایمان را با عراق حل کرده‌ایم، اما گسترش نظامی این کشور همچنان به سرعت ادامه دارد» (پارسادوست: ۲۱۷). این اظهار نظر به هیچ وجه نشان دهنده عدم تلاش ایران برای تسلیح و تجهیز بیشتر ارتش این کشور به سلاح‌های مدرن نبود. بلکه، بر اساس آمار، در فاصله زمانی امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر (۱۳۵۴) تا سال ۱۳۵۸، شاه ایران مبلغی معادل ۵/۱۵ میلیارد دلار برای خرید و یا سفارش تسلیحات هزینه کرده بود. این رقم برای عراق در مدت زمان مشابه ۱/۸ میلیارد دلار بود (کردزمن و واگنر: ۷۷).

هر چند رهبران عراق تلاش فزاینده‌ای برای افزایش توان نظامی خویش به کار گرفته، حتی در راه رسیدن به سلاح‌های اتمی نیز خیز بلندی برداشتند (تیمرمن، ۱۳۷۳: ۱۳۷-۱۳۸)، اما همانگونه که اشاره شد تلاش‌های تسلیحاتی ایران بیشتر از آنها به ثمر نشسته بود و عراقی‌ها از این واقعیت آگاه بودند. آنها «نه تنها از محدودیت‌های نظامی خود دقیقاً مطلع بودند، بلکه از توانایی بالقوه ایران در برانگیختن کردها برای اعمال فشار بر بغداد نیز خبر داشتند» (کردزمن و واگنر: ۷۸). اما در این میان، تحولاتی در عرصه سیاست داخلی ایران در دهه ۵۰ به وقوع پیوست که قابلیت تبدیل شدن به عاملی برای تغییر موازنه قوا را دارا بود.

مبارزات مردم ایران با رژیم پهلوی به رهبری امام خمینی^(ره) در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید. در این برهه، تصمیم‌گیران سیاسی - نظامی عراق با شرایطی روبرو شدند که می‌بایست بین رژیم مستقر و مخالفین آن یکی را برمی‌گزیدند. به درستی مشخص نیست که سردمداران حکومت بعثی عراق چگونه و بر چه اساسی دست به انتخاب زدند. اما آنچه مبرهن است اینکه آنان طرف رژیم پهلوی را گرفتند. برآیند این انتخاب نیز



اخراج امام خمینی^(ع) از عراق بود. اما این پایان ماجرا نبود. رهبران عراق پس از اخراج امام خمینی^(ع)، از فرح دیبا، همسر شاه ایران، به گرمی استقبال کردند و نشان دادند که در طرفداری از رژیم پهلوی ثابت قدم هستند. این ثبات قدم حتی پس از فرار شاه از ایران نیز تداوم یافت. به گونه‌ای که هفته‌نامه عرب زبان المستقبل، چاپ لندن، گزارش داد: «یک مقام بلند پایه عراقی، گفته است [بهتر است] شاه به ایران بازگردد. همین مقام مسئول عراقی گفت که می‌توان قانون اساسی ایران را به نحوی اصلاح کرد که شاه حکومت نکرده و فقط سلطنت کند. او گفت: عراق با تغییر رادیکال رژیم ایران موافق نیست. وی افزود: ما کلیه مسائل موجود در مرز مشترک دو کشور، مسئله کردها و مسئله آب را با شاه حل کرده بودیم و به همین دلیل است که آیت‌الله خمینی که به عراق تبعید شده بود، توصیه کردیم عراق را ترک کند تا بتوانیم با ایران روابط حسن همجواری داشته باشیم» (درویشی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). اما روند سریع جریان انقلاب و نهایتاً پیروزی آن در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اوضاع را دگرگون کرد.

انفعال و انعطاف دولت موقت ایران در برابر سیاست دوگانه تبریک و تحریک عراق

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موضع عراق به سرعت تغییر کرد. وقوع انقلاب در ایران ظاهراً مورد اقبال حاکمان عراق قرار گرفت. از این رو، از تشکیل دولت موقت نیز استقبال شد. مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت ایران که به دنبال حکم مورخه ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ رهبر انقلاب ایران رسماً اداره امور کشور را عهده‌دار شده بود در نخستین روزهای شروع به کار رسمی خود نامه‌ای دوستانه از سفارت عراق در تهران دریافت کرد. در این نامه، بر حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی ایران تأکید شده و آمده بود: «سیاست عراق برقراری علائق برادری در روابط با تمام ملت‌ها و کشورهای همجوار بر مبنای احترام و حقوق و حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی و احترام به آرمان‌های مشروع ملت‌ها بر طبق اصولی که تا زمانی که دولت‌های همجوار رعایت نمایند، استوار است» (روزنامه آیندگان، ۱۳۵۷/۱۱/۲۶: ۲). علاوه بر سفارت عراق، دولت این کشور نیز با ارسال نامه‌ای به مهندس بازرگان از پیروزی انقلاب ایران اظهار خرسندی کرده و نوشت: «دولت عراق بیانات صادره از طرف آیت‌الله خمینی رهبر بزرگ دینی و سایر شخصیت‌هایی که انقلاب ایران را رهبری می‌نمایند [را] درباره روابط با ملت‌های عرب و موضع ایران [را] در برابر گروه غاصب صهیونیستی با خرسندی تلقی می‌کند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۲۸: ۲).

اقدامات و اظهارات فوق در حالی صورت می‌گرفت که حزب بعث عراق، انقلاب ایران را نه یک تغییر بنیادین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی این کشور بلکه جابجایی مهره توسط آمریکا به شمار می‌آورد. چنین نگرشی از سوی حزب بعث به انقلاب ایران در اطلاعیه‌ای که این حزب راجع به علت ظهور انقلاب و سقوط شاه منتشر کرد به وضوح نمایان بود. در این اطلاعیه آمده بود: استعمار آمریکا هنگامی که احساس کرد شاه وجهه خود را در بین ملت ایران از دست داده و سیاستی مستقل از غرب را در پیش گرفته است، تغییر او را ضروری دانست و [امام] خمینی را برای اجرای سیاست‌های خود برای جایگزینی او برگزید و قطعاً نظام حکومتی او موضعی مخالف در قبال عراق، انقلاب این کشور و امت عربی اتخاذ خواهد کرد (النقیب، ۱۳۶۸: ۱۳۵).

اقدامات عملی دولت عراق در قبال ایران آشکارا حکایت از تعارض سیاست اعلامی و اعمالی این کشور در قبال انقلاب ایران داشت و نشان می‌داد که مخابره چند پیام تبریک و تعدادی اظهار نظر مثبت در مورد این انقلاب و رهبران آن، مجموعه‌ای از اقدامات ظاهری را شامل می‌شود و اساس سیاست این کشور در قبال نظام جدید ایران بر مبنای نگرش حزب بعث به انقلاب اسلامی استوار شده است. در واقع، ارسال پیام تبریک و تأکید بر تفاهم و حسن‌همجواری یک روی سکه دیپلماسی عراق در قبال نظام جدید ایران بود. روی دیگر آن تحریکات و تحرکاتی بود که توسط عوامل عراقی در مرزها و استان‌های مرزی به طور مشخص در خوزستان و کردستان جریان داشت. دولت عراق پس از پیروزی انقلاب در ایران، دو کمیته در بصره و کرکوک تشکیل داد. کمیته نخست «کمیته عربستان» نام داشت و کمیته دوم به «کمیته کردستان» موسوم بود. این کمیته‌ها که تحت نظارت مستقیم برزان ابراهیم، مدیریت کل اطلاعات عراق اداره می‌شدند، با عناصر وابسته به رژیم گذشته که با پیروزی انقلاب متواری شده یا منافع آنها به خطر افتاده بود، ارتباط برقرار کرده و در راستای مخالفت و مبارزه با حکومت مرکزی مورد حمایت مالی و تسلیحاتی قرار می‌دادند (درودیان، ۱۳۸۸: ۲۱۹). همزمان با اقدامات مورد اشاره در هشتم اسفندماه ۱۳۵۷، هلی‌کوپترها و هواپیماهای عراقی حریم هوایی ایران را نقض و منطقه مرزی سیرین را بمباران کردند (همان: ۲۲۰). در نتیجه این حمله، ۲ کرد ایرانی کشته و ۷ نفر دیگر «به نقاط نامعلومی برده شدند» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۸: ۲).

پس از تجاوز هوایی مذکور، نه تنها دولت موقت به اقدام عراق اعتراضی نکرد، بلکه یک مقام ایرانی که روزنامه اطلاعات وی را «از نزدیکان نخست‌وزیر» خواند، اظهار داشت: «مسئله‌ای که مورد توجه دولت ایران است، امکان مداخله عراق در مساله کردستان





برای جلوگیری از بی‌خاستن اکراد عراق است» (روزنامه اطلاعات، ۱۰/۱۲/۱۳۵۷: ۷). متعاقب آن، کریم سنجابی، وزیر امور خارجه، اعلام کرد: «انقلاب ایران به همه گونه اقدام‌های لازم برای تحرک بخشیدن به روابط بردارانه اسلامی با کشورهای عرب دست خواهد زد» (روزنامه اطلاعات: ۱۲/۱۲/۱۳۵۷: ۲). این قبیل اظهارات از سوی مقامات ایرانی نشانه سیاست حسن‌همجواری ایران بود و از عدم علاقه ایران به ایجاد تنش در روابط خارجی حکایت می‌کرد.

به هر تقدیر، سیاست دوگانه عراق در برابر ایران ادامه یافت و در این میان، سهم تحریک و تجاوز بیش‌تر و محسوس‌تر بود. به گونه‌ای که رکن ۲ ژاندارمری ایران، در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۵۷، طی تلفنگرامی به وزارت کشور اعلام کرد: «... اخیراً ارتش عراق در قریه «سیاه‌گویز» آن کشور، مقابل حوزه استحفاظی مرزبانی بانه، نیرو پیاده نموده است و احتمالاً قصد تجاوز به خاک ایران را دارد» (نخعی و یکتا، ۱۳۸۰: ۲۷۷). با وجود این، سیاست رسمی دولت عراق لحن دیگری داشت؛ سفارت عراق در تهران در پی انتشار اخباری مبنی بر حضور برخی عناصر ضد انقلاب، در خاک عراق طی نامه‌ای به روزنامه اطلاعات ضمن تکذیب قاطعانه این اخبار افزود: «این مطلب، هدفی جز تیره ساختن روابط اخوت و همکیشی موجود میان دو ملت عراق و ایران را ندارد.» (روزنامه اطلاعات، ۱۶/۱۲/۱۳۵۷: ۲).

در این برهه، در حالی که چند مورد تجاوز هوایی عراق به ایران و نیز قاچاق اسلحه از مرزهای این کشور به داخل خاک ایران گزارش شده بود (نخعی و یکتا، همان: ۳۳۳)، سعدون حمادی، وزیر امور خارجه عراق، خروج ایران از پیمان ستو را به وزیر خارجه ایران تبریک گفته «سیاست مستقل دولت موقت انقلاب اسلامی ایران» را تحسین نمود (کیهان، ۲۴/۱۲/۱۳۵۷: ۲). این مقام عراقی چندی بعد در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه الفباء، چاپ بغداد، گفت: «عراق به ثبات ایران و پیشرفت این کشور در جهت سیاست عدم تعهد و برقراری روابط حسنه میان ایران و سایر کشورهای عرب علاقه‌مند است به شرطی که ایران در امور داخلی عراق مداخله نکند و از سیاست برتری‌طلبی در خلیج [فارس] اجتناب کند» (روزنامه کیهان، ۲۶/۱۲/۱۳۵۷: ۲).

با آغاز سال ۱۳۵۸ رویه دوگانه عراق در قبال ایران مشهودتر شد. پس از برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی ایران که در ۱۲ فروردین‌ماه انجام و جمهوری اسلامی به تأیید مردم ایران رسید، حسن البکر، رئیس‌جمهور عراق، طی تلگرافی خطاب به امام خمینی^(ره)، ضمن تبریک «به مناسبت اعلام جمهوری اسلامی» اظهار امیدواری کرد که:

«رژیم جمهوری جدید فرصت‌های بیشتری برای ملت دوست ما ایران به وجود آورد ... و محکم‌ترین روابط دوستی و همسایگی را با کشورهای عربی به‌طور کلی و با کشور عراق به‌طور اخص برقرار نماید. ...» (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۲۶۳). مقامات عراقی معتقدند در پاسخ به پیام رئیس‌جمهور عراق، دو متن مختلف از سوی ایران ارسال شده است «یکی که لحن مودبانه داشت و از طریق وزارت امور خارجه ایران دریافت شد و دیگری دارای لحن خصمانه و کلمات نامناسب بود و در روزهای ۱۹ - ۲۰ آوریل [۳۰ - ۳۱ فروردین ۱۳۵۸] از طرف خبرگزاری پارس و روزنامه‌های [ایران] منتشر گردید» (همانجا).

همزمان با تکاپوهای رسمی دولت عراق در قبال ایران که ظاهری مسالمت‌جویانه داشت، مخالفان و معاندان جمهوری اسلامی، که عمدتاً از وابستگان رژیم پیشین بودند، در داخل خاک عراق علیه نظام جدید ایران در حال فعالیت بودند. این فعالیت‌ها در حالی انجام می‌شد که محافل رسمی دولت عراق همچنان بر حسن همجواری تأکید کرده و حتی وجود چنین فعالیت‌هایی را تکذیب می‌کردند. در این رابطه، کاردار سفارت عراق در تهران در ملاقات با معاون اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه ایران، در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر جلوگیری از فعالیت ضد ایرانی سپهبد پالیزبان در عراق، حضور نامبرده را در عراق انکار کرد (روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۱/۳۱).

دولت موقت در مقابل سیاست دوگانه عراق، اساس سیاست خارجی خود را بر مبنای حسن همجواری و احترام متقابل قرار داده بود. دست‌اندرکاران دستگاه دیپلماسی این دولت نه تنها در مقابل این سیاست عراق واکنشی منفی نشان ندادند بلکه برای تعمیق و تحسین روابط، سیدمحمود دعایی، از نزدیکان رهبر انقلاب ایران، که با عراق و دولت این کشور آشنایی مطلوبی داشت را به عنوان سفیر ایران در بغداد معرفی کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۳۰). دعایی نیز در اولین مصاحبه رسمی خود به عنوان سفیر ایران در عراق، نشان داد به روابط دو کشور نگرشی مثبت و امیدوارانه دارد. وی در این مصاحبه دولت عراق را «رژیم انقلابی» «همکیش» و «پایبند به اصول انقلابی» خواند و در پاسخ به این پرسش که «به عقیده شما رابطه رژیم و مردم عراق با انقلاب و مردم ایران چگونه است؟» گفت: «رابطه دوستانه و صمیمانه، نمونه آن هم تهنیت و تبریک گرم مقامات بلندپایه و رسمی عراق به رهبر کبیر ما و به دولت موقت جمهوری اسلامی است». دعایی حتی برخورد دولت عراق با امام خمینی^(ره) و اخراج وی از این کشور را ناشی از محذورتی توصیف کرد که عراق در قبال امضای قرارداد ۱۹۷۵ بدان متعهد شده بود (روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۳/۳).

مدت چندانی از مصاحبهٔ سفیر ایران در عراق سپری نشده بود که چهار هواپیمای عراقی حریم هوایی ایران را نقض و روستاهای مرزی «گوره‌شیر»، «کائین زر»، «سالاری» و منطقه سردشت را مورد حمله قرار دادند. بر اثر این حمله، شش ایرانی کشته، چهار تن مجروح و بیش از دو میلیون تومان خسارت به بار آمد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۶: ۲). در پی این اقدام، سفارت عراق در تهران در پاسخ به اعتراض ایران، از وقوع واقعه اظهار بی‌اطلاعی نموده، وعده داد ضمن تماس با دولت متبوع خود، در این مورد تحقیقاتی به عمل آورد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۶: ۲). پس از این اظهارات سفیر عراق و در حالی که به گفته سخنگوی دولت موقت ایران «هنوز دولت عراق توجیه صحیحی نسبت به بمباران دهکده‌های ایرانی» ارائه نکرده بود (همان: ۱۳۵۸/۳/۱۹)، هواپیماهای عراقی بار دیگر حریم هوایی ایران را نقض کردند؛ ساعت ۲ بامداد روز ۱۹ خردادماه، دو فروند هواپیمای عراقی از نوع سوخو از طریق مرز هوایی اورامانات وارد فضای ایران شدند و تا ۹۰ کیلومتری خاک ایران (منطقه جوانرود) را مورد تجاوز قرار دادند. تجاوزات مرزی عراق با تجاوز به حریم هوایی ایران در منطقه دزلی در روز ۲۱ خردادماه باز هم تکرار شد (یکتا، اثر منتشرشده: ۴۷۸).

به دنبال تجاوزهای مکرر هوایی عراق به حریم ایران، سفیر عراق در تهران با مهدی بازرگان، رئیس دولت موقت و ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه، دیدار و رسماً از بمباران دهکده‌های مرزی ایران توسط جنگنده‌های عراقی، عذرخواهی کرد. در این دیدار، عبدالملک الیاسین، سفیر عراق، اقدام هواپیماهای عراقی را نادرست خواند و آمادگی دولت عراق را برای جبران هر نوع خسارتی اعلام کرد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۳: ۱). هر چند وعده‌های قبلی مقامات عراقی راجع به جبران خسارت عملی نشده بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۰: ۳)، اما همین وعده نیز از سوی دولت ایران به حسن نیت تعبیر گردید و عذرخواهی مقام عراقی پذیرفته شد. با وجود این، چند روز بعد بار دیگر هواپیماهای عراق حریم هوایی ایران نقض کرده بر فراز پاسگاه‌های مرزی «انجیره»، «هلاله» و «نی خزر» به پرواز درآمدند و پس از شناسایی به سوی پاسگاه مرزی «نی خزر» آتش گشودند (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۶: ۲).

در چنین وضعیتی و در حالی که دولت موقت ایران حتی در مقابل تجاوزات متعدد مرزی عراق و تحریکات و تحرکات عوامل عراق در داخل ایران هیچ‌گاه موضع تندی اتخاذ نکرده بود انتشار یک مصاحبه از شخصیتی نه چندان مشهور که در ساختار حاکمیت ایران نیز حائز هیچ نوع سمت رسمی نبود به عنوان دست‌آویزی در اختیار عراق قرار





گرفت. توضیح اینکه در اواخر خرداد ۱۳۵۸ آیت‌الله صادق روحانی در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «چنانچه تحریکات و ادعای اعراب برای بازگرداندن جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی ادامه یابد ایران ادعای ارضی خود را بر بحرین دنبال خواهد کرد. ما در خوزستان ادعای آن زمین‌هایی را داریم که به دنبال صلح صدام حسین و محمدرضا پهلوی به رسم تعارف به عراق واگذار شد.» (یکتا، همان: ۵۳۸). وزارت خارجه ایران بلافاصله پس از این اظهارات با انتشار بیانیه‌ای صراحتاً اظهارات فرد مذکور را «در حکم اظهار عقیده آزاد و خصوصی» اعلام و تأکید کرد: «آیت‌الله روحانی دارای سمتی رسمی در دولت موقت جمهوری اسلامی نمی‌باشد» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۸: ۲)؛ با وجود این، وزیر اطلاعات عراق موضع تندی در قبال ایران اتخاذ کرد و گفت: «هر ادعایی از طرف ایران در مورد مالکیت بر بحرین نشان دهنده یک طرز فکر توسعه‌طلبانه و وطن‌پرستی افراطی خواهد بود ... بحرین عربی است و هیچ ادعایی در مورد آن وارد نیست. طرز تفکرهای متعصبانه و توسعه‌طلبانه، گاهی حقایق را وارونه جلوه می‌دهد» (یکتا، همان: ۵۵۷).

متعاقب این رخدادها، روابط سیاسی دو کشور به تیرگی گرائید. تیرگی روابط تا آنجا پیش رفت که آیت‌الله رضوانی نماینده امام در نجف، از سوی نیروهای امنیتی عراق بازداشت و سپس از این کشور اخراج شد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۵: ۲). همچنین، تحرکات مرزی عراق به شدت افزایش یافت و پاسگاه‌های مرزی این کشور تقویت شد (یکتا، همان: ۷۰۱-۷۰۲). به عنوان مثال، هلی‌کوپترهای عراقی به مرزهای ایران تجاوز کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۹: ۱۱)، فضای شهر مریوان مورد تجاوز جنگنده‌های عراقی قرار گرفت (یکتا، همان: ۷۲۶)، ساختمان پاسگاه مرزی سعیدیه، بر اثر اصابت موشک آرپی‌جی ۷ شلیک شده از سوی عراق منهدم شد و روستایی در حومه اورامانات از سوی دو هواپیمای سوخوی عراقی بمباران گردید (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۳: ۲).

در چنین فضایی و علی‌رغم تحرکات و تجاوزهای متعدد مرزی عراق علیه ایران، ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، سعی کرد با انجام مصاحبه‌ای، فضای ملتهب به وجود آمده را تلطیف نماید. در این مصاحبه وی بر یکی از موارد حساسیت‌زا در روابط دو کشور انگشت نهاد و آشکارا اظهار داشت: «ما قصد صادر کردن انقلاب خود به کشورهای همسایه را نداریم.» یزدی با اشاره به این نکته اساسی که برخی نگرانی‌ها در نزد دولت‌های همسایه از انقلاب ایران به چشم می‌خورد، گفت: «بعضی از آنها تصور

کردند که انقلاب ایران به آن کشورها صادر خواهد شد، ولی ما ثابت کردیم که ما قصد صادر کردن انقلاب خود را به کشورهای آنها نداریم» (روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۴/۷: ۳).

چند روز پس از انتشار مصاحبهٔ مصالحه‌جویانهٔ ابراهیم یزدی، صدام حسین معاون رئیس جمهوری عراق - که چند روز بعد جایگزین حسن البکر شد - در مصاحبه‌ای با مجله آلمانی اشپیگل، مواضع رسمی دولت عراق در مقابل ایران را اعلام کرد. مواضعی که نه تنها نشانه‌های مصالحه‌جویی در آن رنگ باخته بود بلکه از نوعی تغییر در لحن دیپلماسی عراق که تا پیش از این صورتی مسالمت‌جویانه و تفاهم‌خواه داشت حکایت دارد. در این مصاحبه معاون رئیس جمهور عراق، جزایر سه‌گانه ایرانی را «سرزمین‌های غصب شده» ای خواند که ایران برای اثبات «صداقت سیاست خود در قبال فلسطین و اعراب» باید از آن چشم پوشی کند (یکتا، همان: ۷۹۶). سپس، در پاسخ به پرسشی در خصوص روابط دو کشور، سخنانی دوپهلوی بر زبان آورد؛ ابتدا تلاش‌های ایران در راستای بهبود روابط با کشورهای عربی را مورد تأیید قرار داده گفت: آنان قصد دارند «به اسلام روح و توان تازه‌ای بدهند» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۳: ۲)، در ادامه اظهار داشت: «ما خواهان مناسبات متکی بر سیاست حسن همجواری با ایران هستیم اما به خاطر آن گدایی نمی‌کنیم.» ادامه سخنان صدام حسین، تلاشی بود ماهرانه برای نمایاندن قدرت عراق و طعنه‌ای به منظور نشان دادن تعدد مراکز تصمیم‌گیری قدرت در ایران؛ وی گفت: «سیاست ما این است: ما رهبران تازه ایران را متوجه اشتباهاتشان می‌کنیم بدون اینکه دچار دست‌پاچگی شویم، ما عاقل‌تر و فهمیده‌تر هستیم، ما در اینجا ثبات داریم، ما یک رهبر داریم و آنها چندتا؛ انقلاب ما همگون، سازمان‌دیده و منضبط است؛ انقلاب آنها بدون انضباط و آشوب‌زده است» (یکتا، همان: ۷۹۶).

صدام حسین، در پایان مصاحبه، حتی تلویحاً به تهدید ایران پرداخت و گفت: «هر کسی سعی کند به ما ضرر بزند ما هم به او ضرر می‌زنیم؛ هر کس که از دیوار باغ بالا برود، ما هم توی زمین او می‌رویم؛ هر کس نگهبان ما را بکشد، ما هم خود او و نگهبانش را می‌کشیم؛ هر کس به ما توهین کند، ما به او بیشتر توهین می‌کنیم» (همان: ۷۹۶).

علی‌رغم انتشار چنین اظهارنظری از سوی شخصیتی که به باور بسیاری قدرتمندترین و ذی‌نفوذترین مقام حزب بعث و دولت عراق بود، بار دیگر وزیر امور خارجه ایران با انجام مصاحبه‌ای همه تلاش خود را به کار گرفت تا به تمام شبهات و موارد مناقشه‌انگیزی که از سوی محافل رسمی و غیررسمی عراق مطرح می‌گردید، پاسخی قانع‌کننده و مطلوب ارائه کند. سخنان یزدی در واقع بازتابی از روش مصالحه‌جویانه و غیر رادیکال



دولت موقت ایران بود. وی ابتدا بر توافقات حاصله میان ایران و عراق تأکید کرد و گفت: «بنا به پیشنهاد دولت عراق و پذیرش ما، قرار شده است که برای برطرف ساختن سوءتفاهماتی که به وجود آمده، در نخستین مرحله، حملات تبلیغاتی دو کشور نسبت به یکدیگر قطع شود. دولت عراق قول داده از به کار بردن نام مجعول درباره خوزستان و سایر نقاط جلوگیری کند و ما نیز به قول و حسن نیت مقامات عراقی اعتماد داریم» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۵: ۲). وزیر امور خارجه ایران، سپس بر مسئله صدور انقلاب اسلامی - مهم‌ترین مسئله‌ای که دولت بعث عراق آشکار و پنهان نگران آن بود - انگشت گذاشت و با قاطعیت اظهار داشت: «انقلاب امری صادر شدنی نیست و دولت جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه چنین هدفی را دنبال نمی‌کند» (همانجا).

یزدی در ادامه، حسن نیت و اعتماد دولت موقت نسبت به عراق را به حد نهایت رساند و راجع به تجاوزهای مکرر هواپیماهای عراقی به حریم ایران، گفت: «دولت عراق در خاک خود مانورهایی دارد و یا برخی سرزمین‌های مرزی خود را بمباران می‌کند، در این شرایط امکان دارد که اشتباهی برخی از نواحی مرزی ایران نیز مورد اصابت بمب قرار گیرد. در گذشته که چنین اتفاقی رخ داده، دولت عراق به طور رسمی و کتبی ضمن پوزش خواهی، اعلام کرد که این واقعه به سهو رخ داده است و آمادگی خود را نیز برای جبران خسارات اعلام کرد» (همان: ۱۳۵۸/۴/۲۶).

انتقال قدرت در عراق و تشدید اختلافات با ایران

تنها یک روز پس از مصاحبه وزیر امور خارجه ایران، در ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸، ژنرال حسن البکر، ظاهراً به دلیل ضعف مزاج، از قدرت کناره‌گیری کرد و صدام حسین جانشین او شد. در آغازین روزهای ریاست جمهوری صدام تغییرات و تحولات جدی و محسوسی در روابط ایران و عراق به چشم نمی‌خورد. بلکه برعکس، اظهارنظرها و اعلام مواضع مقام‌های سیاسی دو طرف دورنمایی روشن از آینده روابط دیپلماتیک بین کشور ترسیم می‌کرد. در یک سو صدام اعلام کرده بود با کناره‌گیری البکر و جانشینی وی سیاست خارجی عراق تغییری نخواهد یافت و سفیر عراق در تهران نیز اظهارات صدام را به طور مشخص در مورد رابطه با ایران مورد تأکید و تأیید قرار داده بود (روزنامه آیندگان، ۱۳۵۸/۴/۲۸: ۳). در سوی دیگر، سفیر ایران در عراق گفته بود در روابط ایران و عراق «خصوصی وجود ندارد» و سخنگوی دولت موقت ایران نیز اظهار داشته بود: ایران و عراق دو کشور برادرند و نباید با هم اختلاف داشته باشند (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۷: ۲). همچنین مهدی بازرگان

نخست‌وزیر دولت موقت ایران، با ارسال پیامی خطاب به صدام حسین، انتصاب وی را تبریک گفته و صدام نیز در پاسخ «پیشرفت و موفقیت ملت دوست و برادر ایران را» خواستار شده بود (روزنامه بامداد، ۱/۵/۱۳۵۸: ۱۲).

دیری نگذشت که تعارفات دیپلماتیک و اظهارنظرهای رسمی در خصوص روابط مسالمت‌آمیز دو کشور ایران و عراق تحت‌الشعاع وقایع و موضع‌گیری‌های متفاوتی قرار گرفت. این وقایع و اعلام مواضع نشانه‌هایی در درون خود داشت که از روندی جدید در روابط فیما بین ایران و عراق حکایت می‌کرد.

به زودی دخالت‌ها و تحریکات عراق در خوزستان که فاز نخست آن در اواخر خرداد ماه ۱۳۵۸ به بن‌بست رسیده بود در قالبی جدید شروع شد. در این راستا، از یک اتومبیل عراقی مقدار قابل توجهی فشنگ جنگی و چند قبضه اسلحه کشف شد. حامل این مهمات اعتراف کرد که قرار بود از سلاح‌ها و فشنگ‌ها برای ایجاد اغتشاش در خوزستان استفاده شود (روزنامه اطلاعات، ۲۷/۴/۱۳۵۸: ۲). همچنین پاسگاه مومنی و جزیره مینو هدف موشک‌های آر. پی. جی ۷ قرار گرفت که از خاک عراق شلیک می‌شد. ضمن اینکه فضای رسانه‌های دو کشور علیه یکدیگر به شدت ملتهب شد. البعث، ارگان رسمی حزب بعث به رهبران ایران اخطار کرد که در رفتار خود با عراق «آتش‌بازی نکنند». الثوره نیز نوشت: گشایش دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین و دادن شعارهای ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی را نمی‌توان به منزله تغییر بنیادین در سیاست تهران دانست. در مقابل، تلویزیون ایران نیز با پخش دو فیلم از مناطقی از خاک ایران که توسط هواپیماهای عراقی بمباران شده بود گفت: «رهبران بعث باید بدانند که ایران هرگز اجازه تجاوز به خاک و قلمرو خویش را به هیچ قدرت بیگانه نداده و آنها به جای چشم داشتن به خاک ایران بهتر است متوجه اوضاع وخیم و تبعیضاتی که در کشورشان وجود دارد شده و از سرنوشت جباران پند گیرند» (هفته‌نامه بامشاد، ۱۳۵۸: ۲۰-۱۹).

علاوه بر فضای رسانه‌ای، تغییرات و تحولاتی نیز در مرزها به وقوع می‌پیوست؛ در حالی که نیروهای ایرانی مستقر در مرزهای مشترک در استان خوزستان اقدام به عقب‌نشینی از مناطقی کرده بودند که طبق قرارداد الجزیره به عراق واگذار شده بود اما در دوران حکومت شاه همچنان نیروهای ارتش ایران در آن حضور داشتند (یکتا، همان: ۱۳۵۸/۴/۳۰). در سمت مقابل «در ۱۳۵۸/۵/۲ چهار خودروی عراق در دو کیلومتری غرب پاسگاه تلخاب بین میله‌های مرزی ۳۹ و ۴۰ متوقف و اقدام به انفجار مواد منفجره نمودند» (یکتا، همان: ۱۳۵۸/۵/۲).



در این میان، ابوالحسن بنی‌صدر در یک سخنرانی جنجالی اظهارنظرهایی در مورد روابط ایران و عراق ابراز داشت. بنی‌صدر فاش کرد صدام پیامی خطاب به اعضای شورای انقلاب ارسال کرده و اظهار داشته است: «خرابکاران خوزستان را او فرستاده و این کار به تلافی وقایع کردستان عراق انجام شده است. ایران باید کردستان عراق را فراموش کند تا عراق هم خوزستان را از یاد ببرد.» بنی‌صدر افزود: «ما به صدام اعلام می‌کنیم که نمی‌توانیم نسبت به کشتار مردم عراق و مسلمانان عراق بی‌تفاوت باشیم. در عراق شش هزار نفر از مسلمانان را به زندان انداخته‌اند و سیصد نفر را اعدام کرده‌اند ما به حکم مسلمانی مسئولیم که به این اعمال اعتراض کنیم» (روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۵/۴: ۲). پس از انتشار اظهارات بنی‌صدر، سید محمود دعایی سفیر ایران در عراق با امام^(ره) ملاقات و در خصوص روابط ایران و عراق با ایشان گفتگو کرد. دعایی در مصاحبه‌ای که بلافاصله پس از دیدارش با امام^(ره) انجام داد بار دیگر، سیاست اصلی ایران در قبال عراق را که بر مبنای حسن همجواری و تفاهم استوار بود را مورد تأکید و تأیید قرار داد و گفت: «امام یادآوری کردند که کوشش شود مسئولین عراق به حسن نیت و تفاهم رهبران انقلاب ایران و دولت جمهوری اسلامی واقف گردند.» سفیر ایران در عراق تأکید کرد: «از نظر امام آنچه دولت و شورای رهبری (انقلاب) بر آن تأکید و تکیه دارند، اصل است و سیاست‌مداران خارجی نباید به اظهارات غیرمسئول برخی عناصر پراکنده و احیاناً وابسته تکیه کنند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۵/۶: ۱۲).

در چنین وضعیتی، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق و ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران در حاشیه کنفرانس جنبش عدم تعهد در هاوانا با یکدیگر دیدار کردند. بسیاری بر این باور بودند که این ملاقات فرصت مناسبی فراهم خواهد کرد تا از تنش‌های موجود در روابط دو کشور کاسته شده و راه‌کارهایی برای عادی‌سازی روابط ارائه شود. به هر حال این دیدار در تاریخ دهم شهریور ماه ۱۳۵۸ برگزار شد. بر اساس گزارش‌های ارائه شده از سوی مطبوعات در جریان این ملاقات، صدام و یزدی در مورد مسائل فیما بین به ویژه مواردی نظیر کردستان، خوزستان، تبلیغات در رسانه‌ها و ... با یکدیگر گفتگو کردند (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۶/۱۱: ۹). یزدی و صدام پس از این دیدار مصاحبه‌هایی انجام داده و از جریان مذاکرات اظهار خرسندی نمودند. یزدی گفت: «مذاکرات در محیطی از تفاهم و صراحت برگزار شد» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۶/۱۱: ۱). صدام نیز اعلام کرد: «دولت عراق جنبش اسلامی ایران را همواره تأیید کرده و اکنون نیز آن را تأیید می‌کند» (گزارش‌های ویژه، ش ۱۶۳، ۱۳۵۸/۶/۱۲: ۲۰). حتی چند روز بعد از

این دیدار، وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی القبس اعلام کرد رئیس‌جمهور عراق را به ایران دعوت کرده و از او خواسته است با سفر به ایران شخصاً نتایج انقلاب ایران را مشاهده کند. وی گفت متقابلاً صدام حسین نیز از او برای سفر به عراق دعوت به عمل آورده است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۶/۱۵: ۱۶). اما این اظهارات ظاهر ماجرا بود.

واقعیت این است که ملاقات در هاوانا چندان دوستانه نبود. ابراهیم یزدی در توصیف فضای ملاقات مذکور گفته است: صدام در حالی که سیگار برگ بر لب داشت و پای خود را هم روی هم انداخته و بر روی مبل لم داده بود و از موضع متکبرانه با ما سخن می‌گفت که پاسخ وی را دادیم (پارسادوست، همان: ۲۳۴). وی همچنین، در مورد محتوای مذاکره می‌گوید: «در کوبا با صدام ملاقات کردم. صدام در ملاقات، سه جزیره را مطرح کرد، که گفتم: به شما ربطی ندارد. صدام گفت: ما حزب بعث هستیم. مگر شما مرام‌نامه حزب را نخوانده‌اید؟ هر مسئله عربی، مسئله عراق است. من گفتم: حزب بعث ۵۰ سال است تشکیل شده؛ ولی حوزه نجف ۱۰۰۰ سال است تشکیل شده است و امام خمینی (ره) می‌گوید هر مسئله اسلام مسئله ما است. سپس بحث شیعیان عراق را مطرح کردم و گفتم ما آمادگی برای همه چیز داریم. صدام گفت: در ایران هر کس یک چیزی می‌گوید و معلوم نیست قدرت در دست کیست؟» (درودیان، ۱۳۸۱: ۲۳۱).

علاوه بر گزارش یزدی، توصیف دیگری از سوی یکی از مقامات عراقی درباره پشت پرده این گفتگو ارائه شده که جریان این دیدار را قابل تأمل تر می‌کند؛ صلاح عمرالعلی عضو شورای فرماندهی کشوری حزب بعث و نماینده وقت عراق در سازمان ملل، درباره دیدار صدام و یزدی می‌گوید: «پس از این دیدار با صدام به گفت‌وگو نشستیم من که از این دیدار خیلی خوشحال و خوشبین بودم که دیگر بحران بین دو کشور تمام می‌شود، این احساسم را ابراز کردم. بعد از رد و بدل شدن چند پرسش و پاسخ بین ما دو نفر، صدام به من گفت: چه صلحی، چه مشکلی بین ما و ایران حل شد؟ ای صلاح! این مسئله یک فرصت است که شاید در یک قرن یک بار اتفاق می‌افتد. این‌ها (ایرانی‌ها) اهواز را از ما گرفتند، شط‌العرب را از ما گرفتند! طبعاً فرصت برای ما دست داده. الآن خودشان آمده‌اند، در حالی که کشورشان از هم پاشیده است! ارتش آنها از هم گسیخته شده و نیروهای‌شان پراکنده گشته. بین خودشان جنگ و دعواست! گروهی گروهی دیگر را می‌کشند! پس الآن این فرصت تاریخی ماست تا بتوانیم تمام حقوق‌مان را به طور کامل بازگردانیم. این موضوع را فقط به تو می‌گویم خودت را به عنوان نماینده عراق در



سازمان ملل متحد آماده کن. من می‌روم ضربه‌ای را بر آنها بزنم که صدایش در تمام کره زمین شنیده شود» (فرهنگ پایداری، زمستان ۱۳۸۳: ۱۲).

علاوه بر آنچه گفته شد، پس از مذاکرات صدام و یزدی در هاوانا رویدادهایی در روابط دو کشور اتفاق افتاد و اظهارنظرهایی از سوی مقامات طرفین ابراز شد که نشان می‌داد این ملاقات توفیق چندانی نداشته است. در همین راستا روزنامه الثوره در مقاله‌ای تند و تحریک‌آمیز به ایران هشدار داد در امور داخلی کشورهای منطقه خلیج فارس دخالت نکند و «از بازی با آتش» پرهیز نماید، این روزنامه عراقی نوشت: «دست‌های جنایتکاری که به سوی هر گوشه‌ای از سرزمین‌های عربی دراز شوند خنجر تیز را فرا راه خود خواهند یافت و این شمشیر نیز رویای بیمارگونه توسعه‌طلبی و تجاوز را از همه سرها بیرون خواهد راند.» آنچه از سوی الثوره دخالت در سرزمین‌های عربی خوانده شده بود، در واقع حضور نیروهای ایران در سه جزیره ایرانی تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی بود. الثوره صراحتاً اعلام کرده بود: «قدرت‌های حاکم در ایران برخلاف منطق، هنوز هم سه جزیره عربی را تحت اشغال دارند و می‌کوشند با اعزام ماموران خود در امور داخلی کشورهای عربی خلیج دخالت کنند» (گزارش‌های ویژه، ش ۱۸۶، ۱۳۵۸/۷/۶: ۱۱). همچنین، دخالت‌های عراق در کردستان ایران از طریق کمک به عناصر مخالف دولت مرکزی که در حوادثی نظیر حمله به ایستگاه رادیو تلویزیون و نیروگاه برق قصر شیرین نمود پیدا کرد، تداوم یافت و تحریکات عوامل عراقی در خوزستان که در قالب انفجارهای پی در پی و تحرکات و تجاوزات مرزی بروز می‌یافت ادامه پیدا کرد (گزارش‌های ویژه، ش ۱۸۷، ۱۳۵۸/۷/۵: ۵).

با وجود این، دولت موقت ایران رویه مسالمت‌جویانه خود را همچنان ادامه داد. در این راستا، مهدی بازرگان نخست‌وزیر ایران، با انجام مصاحبه‌ای درباره اختلافات ایران با کشورهای عرب و مطالب جراید منطقه علیه ایران گفت: «همیشه از این توطئه‌ها از این دست‌ها و از این حرف‌های ناجور بوده و خوب حالا هم هست و خواهد بود. اما دولت رابطه‌اش و رفتارش با کشورهای همسایه خصوصاً با کشورهای مسلمان عرب بر اساس دوستی، برادری و صمیمیت است و هیچ نظر، طمع و تجاوزی به آنها ندارد» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۷/۱۶: ۲). وی در مصاحبه دیگری اظهار داشت: «ایران در منطقه خلیج [فارس] نظر جاه‌طلبانه‌ای و یا منافع خارج از حدود مرزهای ایران ندارد و در نظر ندارد به هیچ کشوری حمله کند» (گزارش‌های ویژه، ش ۱۹۷، ۱۳۵۸/۷/۱۵: ۱۶).

در حالی که بازرگان موضعی ملایم در قبال عراق اتخاذ نموده و سخن از روابط

مسالمت‌آمیز به میان می‌آورد و نیز دولت موقت ایران تلاش‌هایی را آغاز کرده بود تا حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه، در اختلافات ایران و عراق میانجیگری نمایند (گزارش‌های ویژه، ش ۱۹۸، ۱۳۵۸/۷/۱۶: ۹). اظهارنظرهای برخی فعالان غیررسمی در ایران، دست‌آویزی برای مقامات عراق بود. مهم‌ترین و جنجالی‌ترین اظهارنظرهایی که در این دوره مقامات عراقی به آن استناد نموده و آن را به مثابه سیاست رسمی ایران تلقی و شدیداً به آن می‌تاختند، اظهارات آیت‌الله صادق روحانی بود. وی در یکی از اظهارنظرهای خود که در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فرانسه مطرح شد، گفت: «پذیرفته است رهبری «جنبش انقلابی» بحرین را به عهده گیرد و از مردم بحرین دعوت کرده است چنانچه شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه امیر بحرین به اصول اسلام گردن نهد او را واژگون کنند. روحانی تصریح کرد که انقلاب بحرین را از ایران هدایت خواهد کرد و این هدایت فقط جنبه مذهبی دارد و نه سیاسی و این به درخواست مردم بحرین است» (گزارش‌های ویژه، ش ۱۸۶، ۱۳۵۸/۷/۴: ۸-۹). این اظهارات به سرعت از سوی مقام‌های رسمی ایران اظهارنظری شخصی و بدون ارتباط با دولت ایران اعلام شد. بازرگان صراحتاً گفت: «آیت‌الله روحانی از شخصیت‌های روحانی درجه یک ایران نیست. وی دولت ایران نیست. وی به دولت ایران تعلق ندارد و سخنگوی دولت ایران نیست. آیت‌الله روحانی وزنه رسمی و مهمی نیست» (گزارش‌های ویژه، ش ۱۹۷، ۱۳۵۸/۷/۱۵: ۱۶). علی شمس اردکانی، سفیر ایران در کویت، نیز در گفتگویی با رادیو بی‌بی‌سی تأکید کرد دولت متبوع وی هیچ ادعای ارضی بر خاک کشور دیگری ندارد و نیز قصد ندارد که در امور کشورهای دیگر مداخله کند. وی آیت‌الله روحانی را شخصی بی‌اهمیت خواند و گفت اظهارات آیت‌الله روحانی ربطی به دولت ندارد (گزارش‌های ویژه، ش ۲۰۵، ۱۳۵۸/۷/۲۳: ۱۲).

علی‌رغم رویه دولت موقت، لحن دیپلماسی مقامات عراقی طلبکارانه و توأم با تهدید بود. در این رابطه، سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه لبنانی النهار از ایران خواست سه جزیره (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) را به امارات متحده عربی واگذار کند. وی گفت عراق آماده است روابط خود با ایران را مجدداً پی‌ریزی کند مشروط بر اینکه این کشور از سیاست قدیم خود دایره تسلط بر خلیج فارس صرف نظر کند (گزارش‌های ویژه، ش ۱۹۴، ۱۳۵۸/۷/۱۲: ۱۴). وزیر اطلاعات عراق نیز تهدیدهای آشکارتری را مطرح کرد و با لحنی خصمانه‌تر علیه ایران سخن گفت. وی در مصاحبه‌ای با روزنامه القبس چاپ کویت، ضمن بیان خصومت

دولت‌مردان عراق با انقلاب اسلامی، تهدید کرد که عراق هیچ فشاری را در مرزهای خود تحمل نخواهد کرد. وی گفت: رژیم اسلامی فعلی ایران به هیچ وجه مورد علاقه عراق نیست. تنها چیزی که عراق به آن علاقمند است پایان دادن به بی‌عدالتی‌هایی است که نسبت به اقلیت عرب در ایران می‌شود و نیز برخورداری آنها از حقوقی برابر با دیگر اقلیت‌هاست (گزارش‌های ویژه، ش ۲۰۰، ۱۳۵۸/۷/۱۸: ۱۸). در نهایت، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق، نظرات تندی علیه ایران ابراز کرد. وی در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه‌ی المستقبل چاپ پاریس، به روشنی اعلام کرد انقلاب ایران را یک انقلاب اسلامی نمی‌داند. رئیس‌جمهور عراق گفت هر گونه تضادی بین انقلاب عرب و انقلابی که خود را اسلامی معرفی می‌کند به مفهوم آن است که انقلاب مذکور اسلامی واقعی نیست» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۷/۲۲: ۴).

این اظهارات به ویژه سخنان رئیس‌جمهور عراق از سوی مقامات ایرانی بی‌پاسخ نماند. ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران، در واکنش به سخنان صدام حسین گفت: «در هاوانا پایتخت کوبا با قاطعیت در مقابل صدام سخن گفتیم و به نظر ما فلسفه حزب بعث یک تز فاسد است». وی افزود: «آنچه صدام گفته، برداشتی از کنفرانس هاوانا است و درباره بعضی از نظریات او محکم ایستاده‌ایم، اما صدام فقط فلسفه حزب بعث را قبول دارد و نه اسلام را، فلسفه‌ای که بر اساس قومیت عربی و ناسیونالیستی است» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۷/۲۴: ۳۳). ابوالحسن بنی‌صدر از اعضای شورای انقلاب نیز با اشاره به دخالت‌های دولت عراق در امور داخلی ایران و تحریکات انجام شده توسط عوامل وابسته به عراق در کردستان ایران گفت: «در آنجا یک رژیم فاشیستی حکومت می‌کند و تاکنون حتی کمک زبانی هم به مردم عراق نکرده‌ایم و کوچک‌ترین کمکی هم به مردم حق‌طلب عراق در مبارزه با رژیم بعثی که مانند رژیم شاه مخلوع در نزد جامعه عراق منفور است انجام نداده‌ایم» (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۷/۲۶: ۲).

به این ترتیب، روابط ایران و عراق تیره‌تر شد. در چنین وضعیتی دولت عراق مانوری نظامی را در مرز مشترک انجام داد. در این مانور که در مرز کرمانشاه در منطقه مرزی بیشکان انجام گرفت هلی‌کوپترها و تانک‌های عراقی شروع به قدرت‌نمایی کردند. به دنبال این مانور، گروه‌های مسلحی که از سوی عراقی‌ها تجهیز و تحریک شده بودند به پاسگاه‌های نوار مرزی حمله کردند (یکتا، روزشمار منتشر نشده: ۱۳۵۸/۸/۸).

این روند در روابط ایران و عراق ادامه یافت تا اینکه یک مقام رسمی عراق درخواست‌های عجیبی مطرح نمود؛ عبدالحسین مسلم حسن سفیر عراق در لبنان طی

گفتگویی با روزنامه النهار در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۹، از ایران خواست قرارداد الجزایر را لغو کند، حقوق عراق در شطالعرب را اعاده نماید، سه جزیره را در خلیج فارس تخلیه و به امارات متحده عربی پس دهد و نهایتاً به اقوام عرب، کرد و بلوچ خودمختاری اعطا کند (گزارش‌های ویژه، ش ۲۲۲، ۱۳۵۸/۸/۹: ۱۱). این سخنان از سوی خبرگزاری فرانسه «درخواست رسمی عراق از ایران» و توسط رادیو لندن «بیانیه‌ای تصویب شده از سوی دولت عراق» خوانده شد (همان: ۱۲).

وزارت امور خارجه ایران با انتشار اطلاعیه‌ای نسبت به ادعاهای سفیر عراق در بیروت واکنش شدیدی نشان داد. در این اطلاعیه سفیر عراق در لبنان «دایه مهربان‌تر از مادر» خطاب شده و آمده بود: «معلوم نیست که ایشان برای خودمختاری ایرانیان عرب و کرد و بلوچ سنگ به سینه می‌زند چرا به دولت متبوع خود توجه نمی‌کند که به کردهای عراق خودمختاری بدهد». در این اطلاعیه آمده بود: «جزایر ایرانی تنب و ابوموسی کماکان تحت حاکمیت بحق دولت ایران براساس اسناد تاریخی و غیرقابل انکار باقی خواهند ماند و دخالت سفیر عراق در این امر که هیچ‌گونه ارتباطی به آن کشور ندارد و تعیین تکلیف کردن برای دولت ایران فقط می‌تواند به معنی و مفهوم عدم علاقه آن کشور به بهبود روابط خود با ایران باشد.» این اطلاعیه در مورد درخواست لغو قرارداد الجزایر نیز حقوق بین‌المللی را ضامن قوت و اعتبار قراردادهای منعقد شده بین دولتین معرفی و لغو هر قراردادی را نیز تابع آن مقررات دانسته و اعلام کرده بود: «تجدید نظر در هر قرارداد نیز تابع همین مقررات است و نه شرط قراردادن آن برای بهبود روابط دو کشور، اگر عراق مایل به روابط حسن همجواری با ایران است باید از نمایندگان خود بخواهد که از بیان این‌گونه اظهارات ناشی از عدم حس مسئولیت خودداری کنند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۱۲: ۲). ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران نیز در برابر اظهارات سفیر عراق در لبنان موضعی قاطع اتخاذ کرد. وی با اشاره به فعالیت‌های عراق برای به عهده گرفتن ژاندارمی خلیج فارس، گفت: «دولت عراق قیم و وکیل و وصی اعراب نیست و اعراب نیز چنین حقی را به آن نداده‌اند و مسئله سه جزیره خلیج فارس هیچ ارتباطی به دولت عراق ندارد.» یزدی در ادامه به برخی ادعاهای مقامات عراقی که هر مسئله عربی را مسئله عراق عنوان می‌کردند نیز پاسخ داد و اظهار داشت: «اگر دولت عراق هر مسئله عربی را مسئله خود عنوان کند ایران نیز به خود حق خواهد داد هر مسئله اسلامی را مسئله خود دانسته و علیه آن، جبهه فعالی بگشاید و اگر عراق بخواهد این بازی را شروع کند باید بداند که دود چنین کاری قبل از همه به چشم خود او خواهد رفت» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۱۲: ۲).



چنین اظهار نظرهای قاطعی از سوی وزارت امور خارجه دولت موقت، نشان‌گر فاصله گرفتن دولت بازرگان از انفعال و انعطاف بیش از حدی است که در گذشته در رابطه با عراق در پیش گرفته بود. چه، قبل از این و به طور مشخص در ماه‌های نخست زمامداری دولت موقت و زمانی که در عراق حسن البکر در مسند ریاست جمهوری قرار داشت، مقامات دولت موقت در مقابل تحریکات و تحرکات عراق خویشنداری و انعطاف فراوانی نشان می‌دادند. بر اساس آنچه در سطور پیشین اشاره شد بارها در مقابل تجاوزهای مرزی این کشور سیاست غامضانه‌ای پیش گرفتند و حتی در بسیاری از موارد به توجیه چنین اقداماتی پرداختند.

به هر حال همزمان با بروز نشانه‌هایی از تغییر در مشی دولت موقت در قبال عراق، رخدادهای مهم دیگری نیز در ایران اتفاق افتاد که تأثیری شگرف در روابط ایران و عراق برجای گذاشت؛ ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ سفارت آمریکا در تهران از سوی دانشجویان تسخیر شد و فردای آن روز مهدی بازرگان رئیس دولت موقت استعفا کرد و شورای انقلاب که تا آن زمان در جایگاه مجلس قانونگذاری عمل می‌کرد، مامور اداره امور کشور شد.



نتیجه‌گیری

عراق در مواجهه با انقلاب ایران و دولت برآمده از این انقلاب، سیاستی دوگانه در پیش گرفت. محافل رسمی دستگاه دیپلماسی این کشور با مخبره چند پیام تبریک و تعدادی اظهار نظر مثبت در قبال انقلاب اسلامی و رهبران آن، چهره‌ای خرسند از پیروزی انقلاب در ایران ارائه کردند اما همزمان در مرزهای مشترک، کردستان و خوزستان به تحریک، تحریک و تجاوز ادامه دادند. به تدریج کفه ترازو به سمت سیاست تحریک و تجاوز سنگینی کرد و سیاست اعلام حسن همجواری هر چند کاملاً کنار گذاشته نشد و کم و بیش در محافل رسمی نمود می‌یافت اما اندک اندک جای خود را به تهدیدهای تلویحی سپرد. با شدت یافتن درگیری‌ها در خوزستان، دخالت‌های عراق در این حوادث آشکارتر و شدیدتر شد و مسئله خوزستان تحت حمایت عراق، برای دولت ایران به بحرانی جدی تبدیل شد. همزمان تضيیقات و فشارها بر شیعیان این کشور به ویژه علما و روحانیون شیعه و به طور مشخص آیت‌الله صدر افزایش یافت. به این ترتیب روابط ایران و عراق رو به تیرگی گرایید. جالب توجه اینکه سیاست‌های بسیار ملایم و متعادل دولت موقت در قبال عراق به هیچ وجه مانع از تشدید وخامت روابط دو کشور نشد. حتی اظهارات وزیر امور خارجه ایران و نیز سفیر ایران در عراق که آشکارا نشان‌گر غفلت مقامات

ایرانی از عملکرد سوء دولت عراق علیه ایران بود تأثیری در عادی‌سازی روابط نهد. آنچه مشخص است و تحولات آینده در روابط دو کشور نیز بر آن صحنه گذاشت؛ عراق ناراضی از قرارداد الجزیره، با اتخاذ سیاست دوگانه «اعلام حسن همجواری و اعمال تحریک و تجاوز» ضمن اینکه درصدد به حداقل رساندن تبعات انقلاب اسلامی در عراق بود و کوشش می‌کرد چهره‌ای خرسند از پیروزی انقلاب ایران به نمایش گذارد، تلاشی فزاینده در پیش گرفت تا با در دست داشتن برگی برنده تغییراتی در مناسبات دو کشور ایجاد نماید. از همین رو، علی‌رغم ظاهر دوستانه در روابط سیاسی با ایران و تأکید بر حسن همجواری و احترام متقابل، در بحران‌های داخلی ایران و به‌طور مشخص کردستان و خوزستان دخالت کرد، مخالفین انقلاب ایران را پناه و یاری داد و به بهانه‌های مختلف در مرزهای ایران به تجاوز و تحرکات نظامی اقدام نمود. اما در میدان عمل آنچه اتفاق افتاد نشان‌دهنده عدم موفقیت سیاست دوگانه عراق بود و نظام سیاسی جدید ایران به خوبی خود را تثبیت کرد.

با استعفای حسن البکر و روی کار آمدن صدام حسین رویه جدیدی در روابط ایران و عراق شکل گرفت. دولت جدید عراق تحت ریاست صدام آشکارا خشونت را چاشنی دیپلماسی خود ساخت و مقامات رسمی عراق در محافل گوناگون به طور رسمی، سیاست‌ها و سیاستمداران ایران را آماج حملات و انتقادات خود ساختند. آنان با استفاده از هر بهانه‌ای به انقلاب ایران و نظام جدید برآمده از آن می‌تاختند و از جایگاه رهبر جهان عرب، مدعی تجاوزات و دخالت‌های ایران در امور کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شدند. مقامات عراق، سه جزیره تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی را متعلق به امارات متحده عربی می‌دانستند و مکرر ایران را به اشغال این جزایر متهم می‌نمودند و با لحنی آمرانه و همراه با خشونت از ایران می‌خواستند این مناطق را به دولت امارات مسترد نماید.

این رویه دولت عراق که از آن به «خشونت در عرصه دیپلماسی» تعبیر شد، ادامه یافت تا اینکه در ۱۲ آبان ۱۳۵۸ یک مقام عراقی رسماً از ایران خواست قرارداد الجزیره را لغو کند، حقوق عراق در شط‌العرب را اعاده نماید، سه جزیره را در خلیج فارس تخلیه و به امارات متحده عربی پس دهد و در نهایت به اقوام عرب، کرد و بلوچ خودمختاری اعطا کند.

دولت موقت ایران که اساس سیاست خارجی خود در قبال عراق را بر مبنای حسن همجواری و احترام متقابل استوار کرده بود. ضمن اینکه تلاش‌های خود در راستای



تفہیم این سیاست بہ عراق و زدودن غبارهای تنش و بحران از روابط دو کشور را پی می‌گرفت، در مواردی نیز در مقابل سیاست‌های ہمراہ با خشونت عراق عکس‌العمل نشان می‌داد.

در این میان، دیدار صدام حسین رئیس‌جمهور عراق و ابراہیم یزدی در حاشیہ کنفرانس ہاوانا و انجام مذاکرہ در خصوص موارد اختلاف دو کشور را بہ جایی نبرد و در پی اظهارنظرهای رسانہ‌ای و رسمی دو طرف علیہ یکدیگر و مسائل و رخدادهایی نظیر انفجارات خوزستان، اشغال کنسولگری عراق در خرمشہر و تحرکات و تجاوزات مرزی عراق و ... روابط دو کشور همچنان تیرہ ماند. تا اینکہ سفارت آمریکا در تہران در ۱۳ آبان اشغال شد و مہدی بازرگان در ۱۴ آبان استعفا داد و روند دیگری در روابط دو کشور آغاز شد.



منابع

اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۹) دولت موقت، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

آشوری، داریوش (۱۳۷۰) دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.

آلادپوش، علی؛ توتونچیان، علیرضا؛ (۱۳۷۳) دیپلمات و دیپلماسی، تهران: وزارت امور خارجه.

پارسا دوست، منوچهر (۱۳۸۶) ما و عراق از گذشته دور تا امروز، تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ دوم.

تیمرمن، کنت آر. (۱۳۷۳) سوداگری مرگ، ناگفته‌های جنگ عراق با ایران، ترجمه: احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

جعفری ولدانی اصغر (۱۳۷۰) بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۷) تاریخ نظامی جنگ تحمیلی؛ جلد یکم زمینه‌های بروز جنگ، تهران: انتشارات

سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نشر اجا) با همکاری هیئت معارف جنگ شهید سپهبد

علی صیاد شیرازی، چاپ اول.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۶۳، ۱۳۵۸/۶/۱۲.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۸۶، ۱۳۵۸/۷/۶.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۸۶، ۱۳۵۸/۷/۴.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۸۷، ۱۳۵۸/۷/۵.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۹۴، ۱۳۵۸/۷/۱۲.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۹۷، ۱۳۵۸/۷/۱۵.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۹۸، ۱۳۵۸/۷/۱۶.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۰۰، ۱۳۵۸/۷/۱۸.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۰۳، ۱۳۵۸/۷/۲۱.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۰۳، ۱۳۵۸/۷/۲۱.





- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۰۵، ۱۳۵۸/۷/۲۳.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۲۲، ۱۳۵۸/۸/۹.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۲۲، ۱۳۵۸/۸/۹.
- درودیان محمد (۱۳۸۸) **اجتناب‌ناپذیری جنگ**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶) «هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» در: **منافع ملی جمهوری اسلامی ایران**، به کوشش داود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ذوالعین، پرویز (۱۳۷۷) **دیپلماسی: خاطرات یک دیپلمات ایرانی**، تهران: نشر پاسارگاد.
- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸.
- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۶/۱۱.
- روزنامه آیندگان، ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸.
- روزنامه بامداد، ۱۳۵۸.
- روزنامه کیهان، ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸.
- شهیدزاده، حسین (۱۳۷۸) **ره‌آورد روزگار**، تهران: نشر البرز، چاپ اول.
- کاظمی علی اصغر (۱۳۶۶) **مدیریت بحران‌های بین‌المللی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۶۸) **دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌المللی**، تهران: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- کردزمن، آنتونی و واگنر، آبراهام آر (۱۳۸۹) **درس‌هایی از جنگ مدرن**، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، تهران: نشر مرز و بوم.
- مختاری، مجید (۱۳۸۴) «پیشینه تاریخی روابط و اختلافات ایران و عراق»؛ تجزیه و تحلیلی جنگ ایران و عراق، کتاب اول: **ریشه‌های تهاجم**، به کوشش فرهاد درویشی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸) **صحیفه امام خمینی (ره)**، ج ۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ناگفته‌های جنگ از زبان صلاح عمرالعلی (عضو شورای فرماندهی کشوری حزب بعث و نماینده‌ی وقت عراق در سازمان ملل) (۱۳۸۳)، منبع شبکه تلویزیونی الجزیره ترجمه: م، عسگری به نقل از **فرهنگ پایداری**، سال اول شماره دوم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۲.
- النقیب، خالد حسین (۱۳۶۸) **حزب بعث و جنگ**، ج اول، ترجمه: محمدحسین زوار کعبه، تهران: انتشارات حوزه هنری.
- هادی نخعی، حسین یکتا (۱۳۸۰) **روزشمار جنگ ایران و عراق - زمینه‌سازی؛ پیدایش نظام جدید**، جلد ۱: بحران‌های داخلی و تولد نیروهای مسلح انقلاب، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات جنگ.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳) **کارنامه و خاطرات ۱۳۵۸ - ۱۳۵۷** به اهتمام: عباس بشیری، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- یکتا، حسین (بی‌تا) **روزشمار ۳: آشوب در پناه حذف حسن البکر و قدرت بلامنازع صدام و ... منتشر نشده**، آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- یکتا حسین (بی‌تا) **روزشمار ۴: پذیرش شاه در آمریکا (زمینه‌سازی کشمکش بزرگ)**، منتشر نشده، آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.